

پرستار محله امیریه از تجربه سی ساله کاری اش می گوید

محبت نسخه شفا بخش

حسین برادران فر - کارش را در پرستاری با تیمار و درمان اسیران جنگی آغاز کرد؛ منتهای نه اسیران ایرانی که اسرای عراقی؛ لیلا خیالی پرستار قدیمی ساکن محله امیریه است که در دوران جنگ، پرستار بیمارستان شهدای قوچان بوده است. آن زمان بسیاری از اسرای عراقی مجروح را برای مداوا به بیمارستان شهدای قوچان می بردند؛ جایی که خیالی مشغول به کار بوده است. بسیاری از پرستاران به محض اطلاع از هویت عراقی اسیران، از پرستاری و تیمار آن ها شانه خالی می کنند؛ اما خیالی به واسطه وظیفه ای که شغل پرستاری بر دوشش نهاده، از جمله پرستاران پیشرویی است که با توجه به اسیران عراقی، دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می دهد و کم کم سایر پرستاران را ترغیب به مداوای آنان می کند. اسیران عراقی با ابراز خوشحالی از این وضعیت با دوسه کلمه فارسی که به تازگی یاد گرفته بودند، از پرستاران تشکر می کردند. روز پرستار بهانه گفت و گوی ما با این پرستار قدیمی شد.



خیالی به واسطه وظیفه، از جمله پرستاران پیشرویی بود که با توجه به اسیران عراقی، دیگران را نیز تحت تأثیر قرار داد

آزمون پرستاری

لیلا خیالی سال ۱۳۴۲ در شهرستان قوچان به دنیا می آید و از کودکی به پرستاری علاقه مند می شود. او از بازی های کودکی اش می گوید: «در بازی های کودکان همیشه نقش پرستار را بازی می کردم؛ به روپوش سفید علاقه داشتم. در هنگام بیماری بر خلاف سایر بچه ها از دکتر رفتن نمی ترسیدم و حتی با اشتیاق به دکتر می رفتم تا پرستار ها را ببینم. به طور کل تماشای لباس سفید پرستاری حس و حال خوبی به من می داد. در خانواده، مدرسه و محله هرگاه کسی دچار آسیب و جراحتی می شد، کمک های اولیه و پانسمان فرد مجروح را به عهده می گرفتم. هر چه بزرگ تر می شدم این علاقه نیز بیشتر می شد. یک روز در راه خانه تکه ای از یک روزنامه را پیدا کردم که خبر آزمون بهیاری و پرستاری را درج کرده بود. سیکلم را گرفته بودم. به مرکز بهیاری و بهداشت شهرستان قوچان رفتم. مأمور ثبت نام اعلام کرد که مهلت ثبت نام تمام شده است. خیلی ناراحت و ناامید شدم. با اوصحبت کردم و از علاقه شدیدم به پرستاری گفتم. مأمور ثبت نام که علاقه مندی شدیدم را دید گفت: مدارکت را می فرستیم فقط دعا کن اداره بهداشت و علوم پزشکی (مشهد) قبول کند. بعد از چند ماه (سال ۱۳۵۸) خبر موافقت اداره بهداشت با پرستار شدنم را اعلام کردند.

پرستاری در سه شیفت

لیلا خیالی بعد از گذراندن دوران آموزش پرستاری (بهیاری) به شهرستان قوچان باز می گردد و به دلیل کمبود شدید پرستار در سه شیفت متوالی مشغول به کار می شود. او روزگارش را چنین شرح می دهد: سال ۱۳۶۰ در بیمارستان شهدای قوچان مشغول به کار شدم. در آن سال ها و هم زمان با اوج جنگ تحمیلی، امکانات بیمارستان ما بسیار محدود بود، علاوه بر این ما با کمبود شدید دکتر و پرستار مجرب نیز روبه رو بودیم، چون بیشتر پزشکان و پرستاران برای کمک به مجروحان جنگی به جبهه یا بیمارستان های استان های مرزی رفته بودند؛ در هر بخش بیمارستان چند کمک پرستار و بهیار زیر نظر یک پرستار مشغول به کار بودند؛ به دلیل نیاز شدید بیمارستان، برای آنکه بتوانم کمک و خدمت بیشتری به بیماران بکنم سه شیفت کار می کردم؛ به اندازه ای که گاهی اوقات بعد از چند شبانه روز کار مداوم و بیداری حتی توان سر پا ایستادن را هم نداشتم. برخی از بیماران را نیز که وضعیت جسمانی خرابی داشتند و به دلیل کمبود امکانات در قوچان قابل درمان نبودند، سوار آمبولانس می کردیم و برای مداوا به مشهد می فرستادیم.

